

علی علیه السلام، قبله حقیقی

قبله حقیقی، انسان کامل است که با او خداوند شناخته می شود؛ و او، همان وجه الله سبحانه و متعال است که با آن با خلقش رویارو شده است و توجه و رو کردن به او، همان توجه به خداوند است؛ و انسان کامل، علی بن ابی طالب علیه السلام، سرور اوصیا و اولیا است. و خداوند او را از کعبه ظاهر و نمایان ساخت تا به مردم بگوید که این انسان، قبله شماست و حج شما به سوی اوست؛ و تا خداوند سبحانه و متعال بگوید که من کعبه را فقط به خاطر علی علیه السلام و اینکه علی علیه السلام در آن متولد شود آفریده ام؛ و اگر مرا فرزندی می بود، همانی بود که در خانه ام به دنیا آمده است:

(بگو اگر برای [خدا] رحمان فرزندی بود، خود من نخستین پرستندگان بودم) (زخرف، ۸۱).

سید احمد الحسن علیه السلام، متشابهات، جلد ۳، سؤال ۸۷

از پدری که عیسی علیه السلام بر طبق انجیل
اورامی خواند، چه می دانید؟

احمد الحسن علیه السلام مهندس ملکوت

مثل زینب علیه السلام باش

زینب دخت علی علیه السلام سببی برای
استمرار امامت و خلافت الهی

جهان را پر از علی می کنم

کلام مقدس و قوانین
دستور زبان

تکرار تاریخ بایمانی اول و
یمانی دوم



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پایه خبر

فهرست

- ۳..... احمد الحسن (علیه السلام) مهندس ملکوت
- ۶..... زینب دخت علی (علیه السلام) سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی
- ۸..... از پدری که عیسی (علیه السلام) بر طبق انجیل اورامی خواند، چه می دانید؟
- ۱۱..... جهان را پر از علی می کنم
- ۱۳..... کلام مقدس و قوانین دستور زبان
- ۱۴..... پاسخ های فقهی امام احمد الحسن (علیه السلام) درباره نماز
- ۱۸..... تکرار تاریخ با یمانی اول و یمانی دوم
- ۲۰..... تو درگاه رحمانی و رحمت از تو معنا شد



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۸، جمعه ۱
اسفند ۱۳۹۹، ۷ رجب ۱۴۴۲، ۱۹ فوریه ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطاهرين

روز مهندس مبارک

احمد الحسن علیه السلام مهندس ملکوت

به شما قول می‌دهم حتی یکبار هم اسم این رشته را در هیچیک از دانشگاه‌ها یا مراکز علمی ندیده‌اید!

این رشته از ابتدای آفرینش تا آخرین روز بقای بشریت، دانشجو می‌پذیرد و برای ثبت‌نام نیاز به مدارک یا مشخصات خاصی ندارد؛ بلکه حتی سن افراد، برای ورود به دانشگاه مهم نیست.

هنگام ورود به دانشگاه این رشته، کسی به گذشته شخص یا ظاهر یا جنسیت و... نگاه نمی‌کند و برای پذیرش فقط کافیهست با تمام وجود، دستانت را به دست استاد این رشته بدهی تا مسیر رسیدن به فارغ‌التحصیل شدن را برایت به بهترین شکل هموار سازد.

در این رشته جدید مهندسی قرار است چه چیزی یاد بگیریم؟
پاسخ از زبان استاد:

«لباست رو بپوش، لباسی آراسته به اخلاق نیکو؛
قلم را به دست خدا بسپار تا از تو طراحی ماهر
بسازد؛

قدم بردار و به انتهای کار فکر نکن؛
ابزارت را فراموش نکنی! منظورم اخلاص و یقین
و صبر است؛

حواست به اسباب پرت نشود، مسبب الاسباب
در انتظار حرکت توست؛

آرام آرام زیر لب ذکر خدا را بگو
و بدان در این رشته یاد می‌گیری که:

چطور هنگام سختی، در دل مردم جاده‌هایی را
بسازی که آن‌ها را به خدا متصل می‌کند؟!
چطور پلی برای رسیدن به آزادگی بنا کنی تا
اثری از ظلم و بی‌عدالتی باقی نماند؟!
چطور آسمان خراش‌هایی از رحمت و صداقت
برپا کنی تا سایه آن، هر دروغ‌گو و ستمگری را
شرمسار کند؟!
چطور از کویر بدون آب و علف، خانه‌ایی پر از
امید و ایمان به خدا بسازی؟!
چطور و چطور و...

حال که فهمیدی پس عمل کن و عمل کن و عمل
کن.» [برگرفته از نصایح سید احمد الحسن علیه السلام]

شغل و تخصص دنیوی فرستاده‌های خدا

قبل از اینکه بگویم چطور با این رشته آشنا
شدم، قصد دارم تا نسبت به یک عقیده اشتباه
پاسخ مختصری دهم و ذهنتان را برای رونمایی از
رشته جدید مهندسی آماده کنم!

انبیا و اوصیای الهی مثل بقیه مردم برای گذراندن
زندگی و مخارجش، شغلی را اختیار می‌کردند
و در برخی مسائل نیاز به یادگیری یا تحصیل
داشتند، اما متأسفانه بعضی از افراد نادان قصد

سید احمد الحسن علیه السلام:

به آنچه در ملکوت آسمان‌ها می‌شنوید و می‌بینید، شهادت دهید.
(نامه هدایت)



هر دو طریق بدانند؛ یعنی مانند بقیه مردم آن‌ها را مثلاً با خواندن فرا بگیرد، اما خداوند بر او منت می‌گذارد به این معنا که چون او خلیفه خداست به او الهام می‌کند، مخصوصاً اگر قضیه متعلق به امر دین باشد؛ مانند اثبات وجود خداوند سبحان یا به طور کلی دفاع از دین.» [امام احمد الحسن علیه السلام، کتاب عقاید الاسلام، بخش دوم: علم]

مهندس ملکوت

تا اینجا واضح شد که علمی که نیاز فرستاده‌های الهی است؛ همان وحی همیشگی برای هدایت مردم است و مانعی ندارد که آن‌ها

دارند با اصرار بر ایجاد صفات خارق‌العاده نسبت به جایگاه فرستاده‌های الهی، حقیقت را برعکس جلوه دهند.

«لازم نیست که خلیفه خدا به علوم استقرائی یا تجربی یا حتی علوم دینی گذشته مثل رسالت‌های خلفای گذشته آگاه باشد؛ بلکه فقط علم لازم برای خلیفه خدا این است که متصل به خدا بوده و پروردگار متعال نخستین چیزی را که او در رسالتش به آن نیاز دارد به او بیاموزد،

نه به این معنا که باید لزوماً به رسالت‌های خلفای گذشته یا علوم تجربی و استقرائی جاهل باشد، اما دانستن آن امور و تفصیل آن‌ها برایش واجب نیست؛ پس ممکن است او گاهی آن‌ها را از طریق تحصیلات یا حتی با الهام الهی یا از



سید احمد الحسن علیه السلام:

مردم را به وسیله حق بشناسید و مردم را به حق دعوت کنید. همه را به سفره‌ای که از آسمان نازل شده، دعوت کنید.
(نامه هدایت)

خدای متعال، مدرک آن را در این زمان برای یک نفر صادر کرده تا این استاد الهی، دانشجویانی را تربیت کند که قلب‌هایشان جز با محبت خدا پر نشده باشد.

بله، درست حدس زدید:

«رشته: مهندسی ملکوت»

«دانشگاه: عوالم ملکوتی»

«استاد: مهندس سید احمدالحسن علی‌علیه السلام»

با سرپرستی امام محمد بن الحسن المهدی علی‌علیه السلام.

نتیجه

در آخر هم باید بگویم که با تأملی اندک بر مدرک مهندسی سید احمدالحسن علی‌علیه السلام می‌توان به حقیقت بزرگی دست یافت که در هر دوره‌ای از تاریخ، اساتیدی فارغ‌التحصیل شده از دانشگاه ملکوت روی زمین قدم می‌گذارند تا ما را با رشته مهندسی ملکوت آشنا کنند.

در زندگی شخصی و یادگیری شغل در این عالم جسمانی آموزش ببینند؛ بلکه حتی می‌توان با نگاهی متفاوت از ماهیت شغل فرستاده‌های الهی متوجه هدف آن‌ها شد و عبرت گرفت. اولین بار وقتی متوجه شدم که سید احمدالحسن علی‌علیه السلام مدرک رشته مهندسی معماری از دانشگاه بصره را دارند، خیلی راحت گذر کردم، اما بعد از گذشت مدتی نه چندان طولانی، دقیق‌تر شده و به این موضوع فکر کردم؛ کلماتش را خواندم، صدایش را شنیدم، شاگردانش را دیدم، سیره اش را نظاره کردم و...

بعد از این‌ها، تازه متوجه می‌شوی که سید احمدالحسن علی‌علیه السلام فقط صاحب مدرک مهندسی معماری در این زمین نیست؛ بلکه این نشانه‌ایی است تا دریابیم او، مدرک رشته‌ایی را دارد که با آن قرار هست معماری تمام هستی را رقم بزند! رشته‌ایی که دانشگاهش روی زمین نیست و



سید احمدالحسن علی‌علیه السلام:

شاید کسانی که با طولانی کردن نماز و دعا، تظاهر می‌کنند، بر سر این سفره حاضر نشوند؛ اما زناکار و شراب‌خوار، و خطاکاران بر سر این سفره حاضر می‌شوند و به‌سوی خداوند توبه می‌کنند و باز می‌گردند. (نامه هدایت)



زینب دخت علی علیها السلام سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی

هرچند گذر زمان مرا به پاسخ سؤالم نرساند، اما آشنایی من با شعار حسین زمانت را بشناس درب عظیمی را روی سؤالاتم باز کرد و از آن روز وقایع عاشورا برایم ملموس تر شد...

دعوت سید احمد الحسن علیه السلام تاریخ را دوباره برای ما رقم زد؛ چراکه این بار فرصت جدیدی است برای تحقق آرزوهایی که در ذهنمان پرورش می دادیم...

اینجا مشخص می شود فرق کسانی که آرزوی واهی خود (که تنها پروراندن حسین اوهاشان بود) با کسانی که واقعاً به دنبال محقق شدن هدف حسین علیه السلام بودند!!! امروز روز عاشورا است

این سؤال را در گوشه ذهنم خاموش کنم؛ ولی به مراتب این را در خود حس می کردم که می توانم هدف بزرگی را که امام حسین علیه السلام برایش جنگید بهتر درک کنم؛ چرا که دیگر، حسینی بودن را تنها در:

- پوشیدن پیراهن مشکی؛
- نوشتن القابی چون انا کلب الحسین علیه السلام؛

- خون آلود کردن سر و صورتم و مشابه آن خلاصه نکردم...

متأسفانه از آن فاجعه، ۱۳۸۱ سال می گذرد و حضور من در این زمان کمکی به آنچه گذشته نمی کند؛ چرا که دیگر نه حسینی هست و نه کربلایی...

یکی از آرزوهای کودکی من شرکت در عزاداری امام حسین علیه السلام بود...

وقتی ماه محرم می رسید تمام ناراحتی و هم‌وغم خود نسبت به عزای امام حسین علیه السلام را، در پوشیدن یک چادر ساده و یک پیراهن مشکی خلاصه می کردم.

شاید در آن زمان، این تنها کاری بود که می توانستم با آن عشق و محبتم را نسبت به امام حسین علیه السلام نشان دهم؛ اما همیشه یک سؤال ذهنم را درگیر می کرد که چطور می توانم مانند رقیه علیها السلام در کنار امامم بجنگم!

مگر رقیه علیها السلام می توانست پا به میدان بگذارد و سلاح به دست بگیرد؟

هرچه بیشتر گذشت و بزرگ تر شدم عمیق تر در این سؤال تأمل کردم و اهداف امام حسین علیه السلام روز به روز، برایم روشن تر شد و خود را به نقش حضرت زینب علیها السلام نزدیک تر می دیدم...

زینب علیها السلام چطور در کنار امام حسین علیه السلام جهاد کرد؟

بعد از هر جنگ زنان را به اسارت یا به کنیزی می گیرند، اسارت زینب علیها السلام چطور می تواند در اهداف قیام امام حسین علیه السلام مؤثر باشد؟

با این حال هنوز نتوانستم چراغ



سید احمد الحسن علیه السلام:

در برابر کسانی که شما را به «اول خودم یا برادرم یا عمویم یا پسر عمویم قبل از شخصی غریبه، یا اول شهرم یا استانم یا کشورم» فرامی خوانند، بنده شما را به شعار «اول انسانیت» فرامی خوانم.

(صفحه رسمی فیس بوک فیس بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)



زینب (ع) انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره ببرد و به ایشان به عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد.....

... زن، انسان تکامل یافته مستقلى است که گاهی اوقات از مردان تواناتر است؛ بلکه حتى مردان عاجزند از اینکه جایگاه زن را پر کنند یا آنچه [او] توانش را دارد، انجام دهند. مثل زینب باش دختر علی (ع)، -انتهای کلام سید احمد الحسن (ع) - امروز ما می توانیم از زینب (ع) الگو بگیریم و این شعار مثل زینب باش را در اعمال و رفتارمان عملی کنیم و هدف ایشان (ع) را که همان استمرار خلافت الهی است زنده نگه داریم و از اینکه می توانیم با اقتدا کردن به ایشان (ع) نماد و الگویی برای زن باشیم، همیشه مفتخر باشیم...

و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود.....

و همه این ها در یک لحظه رخ داد..... ولکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این طور اقتضا می کند.

ایشان بی درنگ قیام را انتخاب کردند.....

و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد.....

خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد (ع) محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است.....

و هر زنی برایش امکان پذیر است که در هر زمان و مکانی از آنچه

در این روز عرصه دنیا برایم تنگ خواهد شد....

زیرا من در زمانی هستم که گذشتگان، زندگی در این زمان بودن را آرزو می کردند و آیندگان، برای بودن در این روز در حسرت خواهند ماند... من یک زن هستم...

زنی که جهاد برایش مکروه است و نمی تواند پا به عرصه میدان نبرد بگذارد.

پیام گهربار اخیر سید احمد الحسن (ع) پاسخ این پرسش ها را برایم روشن ساخت و جایگاه حقیقی ام را در قبال حسین زمانم نشان داد... ایشان فرمودند:

«زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بودند...»

زیرا این استمرار امامت و خلافت الهی در ادامه همان هدفی بود که رسول الله (ص) در روز غدیر برای پیروانش روشن ساخت...

پس این امر، وظیفه بزرگی بر گردن همه ماست، زیرا هر روز می تواند برای ما عاشورایی باشد و هر مکانی کربلا؛ البته اگر بخواهیم... ایشان در ادامه فرمودند:

«زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود.....»

با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود.....



سید احمد الحسن (ع):

انسانیت شما در گرو متمایز بودن از دیگر حیوانات است.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)



به مناسبت روز پدر

از پدری که عیسی علیه السلام بر طبق انجیل اورا می خواند، چه می دانید؟

حقیقت ماجرا در کلام فرستاده عیسی

به نزد احمد الحسن علیه السلام یعنی آن فرستاده و تسلی دهنده ای می رویم که عیسی علیه السلام به آمدنش بشارت داد تا بدانیم که آیا عیسی از عباراتی نظیر «پدر» یا «پدرم» استفاده کرده است یا خیر؟ احمد الحسن علیه السلام فرمود:

«بله، نبی خدا عیسی علیه السلام از کلمه پدر، پدر من یا پدر شما استفاده می کرد و این کلمه در تورات نیز موجود است. عیسی علیه السلام، مولودی بدون پدر بود تا مردم بفهمند که پدر حقیقی و اصل حقیقی آنها، خدای سبحان و متعال است و بدانند که آنچه از آنها خواسته شده است آن است که به صفات خالق و پدرشان آراسته شوند (خلق، خانواده و عیال خداوند است) تا آنکه صورت خدای سبحان و متعال شوند (خدا آدم را به صورت خود آفرید).» [پاسخ های روشن گرانه، ج ۳، ص ۲۵۳]

خدا، پدر همگان

احمد الحسن علیه السلام در کتاب «توحید» و در بخش «پسر» آیاتی از عهد قدیم را ارائه کرد که نشان می دهد که خدا فقط پدر عیسی علیه السلام نبود؛ به برخی از این آیات توجه کنید: «پسر، پدر خود و غلام، آقای خویش را احترام می نماید. پس اگر من پدر هستم

روز پدر بهانه خوبی است که به موضوع مهمی بپردازم؛ وقتی اولین بار انجیل را می خوانیم شاید برایمان عجیب باشد که عیسی علیه السلام از عبارت «پدر» یا «پدرم» یا «پدر شما» استفاده کرده است؛ مثلاً:

«در آن وقت، عیسی توجه نموده، گفت: «ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را ستایش می کنم که این امور را از دانیان و خردمندان پنهان داشتی و به کودکان مکتشف فرمودی!» [متی ۱۱: ۲۵]

«عیسی در جواب او گفت: «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت.» [یوحنا ۱۴: ۲۳]

«همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.» [متی ۵: ۱۶]

و ممکن است به یکی از این دو نتیجه راضی شده باشیم:

اول: این سخنان تماماً تحریف شده است؛
دوم: به کارگیری عبارت «پدر» از سوی عیسی علیه السلام ممکن نیست و او همواره از عبارت «خدا» استفاده می کرد؛ اما این دو نتیجه تا چه اندازه درست است؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

آنچه شما را به واقع از دیگر حیوانات متمایز می کند تنها مغز نیست؛ زیرا «مغز» محصول تکاملی است که سایر حیوانات نیز - گرچه در سطحی پایین تر - دارا هستند.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)

خدا و خدایان هستند تا براساس آن، گفته شود چون در انجیل آورده شده که عیسی فرزند خداست، پس دلیلی بر الوهیت و فرزند حقیقی بودن وی برای خدا می‌شود؟ تعالی الله! (خداوند بلندمرتبه‌تر است).» [توحید، پسر، پانوش]ت

بررسی جایگاه پدر و عیسی

شاید یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات مسیحیان تثلیثی این باشد که آن‌ها مقام عیسی را با پدر یکی می‌پندارند، احمدالحسن علیه السلام در کتاب توحید در بخش «فصل الخطاب از انجیل» آیه‌ای را از انجیل ارائه کردند که نشان از نفی الوهیت مطلق داشتن عیسی علیه السلام دارد و به‌وضوح مشخص می‌کند که عیسی علیه السلام با پدر یا خدا

احترام من کجاست؟ و اگر من آقا هستم هیئت من کجاست؟ یهوه صبیوت به شما تکلم می‌کند. ای کاهنانی که اسم مرا حقیر می‌شمارید و می‌گویید چگونه اسم تو را حقیر شمرده‌ایم؟» [ملاکی ۱: ۶]
«ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید.» [مزمور ۲۹: ۱]

این آیات، نکته‌ای مهم را در خود داراست و آن اینکه بر اعتقاد مسیحیانی که به الوهیت مطلق داشتن عیسی علیه السلام اعتقاد دارند، خط بطلان می‌کشد؛ احمدالحسن علیه السلام در بخشی از توضیحات خود فرمود:

«زیرا بعضی از آن متن‌ها، گروهی را، فرزندان خدا می‌نامند، پس آیا آن‌ها فرزندان حقیقی



سید احمد الحسن علیه السلام:

آنچه شما را متمایز می‌کند ایشار واقعی بی‌چشمداشتی است که می‌توانید به آن متصف شوید و با آن «بشر» شمرده شوید.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)

پاسخ به یک باور غلط

مسیحیان ممکن است بگویند پسر، طبیعت دوگانه dual nature دارد و علاوه بر اینکه کاملاً انسان fully human است، همچنین کاملاً خدا fully God است، اما به آنان می‌گوییم: پس چرا فقط (پدر) از ساعت اطلاع دارد؟ مگر می‌شود که پسر کاملاً خدا باشد و از ساعت اطلاع نداشته باشد؟ محال است و این اعتقاد اشتباه است! والا عیسی می‌فرمود: «پدر و پسر از آن ساعت مطلع هستند» یا می‌فرمود «طبیعت الهی پسر از آن ساعت مطلع هستند» اما این‌ها را نگفتند و این بیانگر آن است که عیسی نور مطلق نیست؛ بلکه نور مطلق که در آن جهلی نیست، تنها پدر است.

نتیجه‌گیری

از آنچه تقدیم شد یافتیم که عیسی علیه السلام خدا را با عبارت پدر صدا زده است و در آن اشکالی نبود و نیز مشخص شد که خدا فقط پدر عیسی علیه السلام نیست؛ همچنین یافتیم که مقام او علیه السلام با پدر یکسان نیست و او خدای کامل نیست.

در پایان توصیه می‌کنیم به کتاب «توحید» نوشته احمد الحسن علیه السلام مراجعه کنید تا توضیحات بیشتری را درباره این حقیقت که پسر برابر با پدر نیست بخوانید، این کتاب پرده برمی‌دارد از علم عظیم احمد الحسن علیه السلام آن تسلی‌دهنده‌ای که عیسی علیه السلام به او وعده داده بود.

برابر نیست:

«ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ‌کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم.» [مَرْفُوس ۱۳: ۳۲]

بی‌اطلاعی او از ساعت یعنی اینکه فقط پدر یا خدا نور مطلق و عالم مطلق است و علم و دانش پسر یا عیسی علیه السلام محدود است؛ یعنی او علیه السلام دارای صفت جهل است و خدا ممکن نیست دارای این صفت باشد؛ چراکه او عالم مطلق است، پس عیسی علیه السلام ناقص است و خدا نیست و در نتیجه برابر با پدر نیست.



سید احمد الحسن علیه السلام:

وقتی به شرافت و انسانیت خود می‌رسی که عهده‌دار فقیر و یتیمی شوی که ارتباط فامیلی با تو ندارند، در حالی که خودت نیاز مالی داشته باشی؛ ببخشی بی‌آنکه توقع سودی در آینده داشته باشی.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)

جهان را پراز علی می کنم

و ستم را نابود و عدل را برپا دارد.»
[غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۱]

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:
«طوبی لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ، وَعِلْمَهُ، وَحُبَّهُ، وَبُغْضَهُ، وَأَخَذَهُ، وَتَرْكَهُ، وَكَلَامَهُ، وَصَمْتَهُ، وَفِعْلَهُ، وَقَوْلَهُ» «خوشا به حال آنکه عمل و علمش، دوستی و دشمنی اش، انجام دادن و رهاکردنش، سخن و سکوتش، و کردار و گفتارش را برای خدا خالص گرداند.» [بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۸۹]

پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه و آله):
«یا عَمَّار! إِنْ رَأَيْتَ عَلِيًّا قَدْ سَلَكَ وادياً و سَلَكَ النَّاسُ وادياً غَيْرَهُ فَاسْلُكْ مَعَ عَلِيٍّ وَدَعْ النَّاسَ.» «عمار! هر وقت دیدی که علی (علیه السلام)

علی (علیه السلام) را با این صفت می شناسند؛ پس چگونه محب او بدون اینکه آراسته به این صفت باشد می تواند دم از ولایت ایشان بزند مخصوصاً در این زمان که همه در انتظار آمدن برپا کننده عدالت هستند. از شما تقاضا می کنم روایاتی را که در ادامه برایتان قرار داده ایم مطالعه کنید و نتیجه را در خود بیابید که تا چه حد در عملمان که مهم ترین آن در این زمان تبلیغ است و دیگر امور برای مولا یمان زینت هستیم.

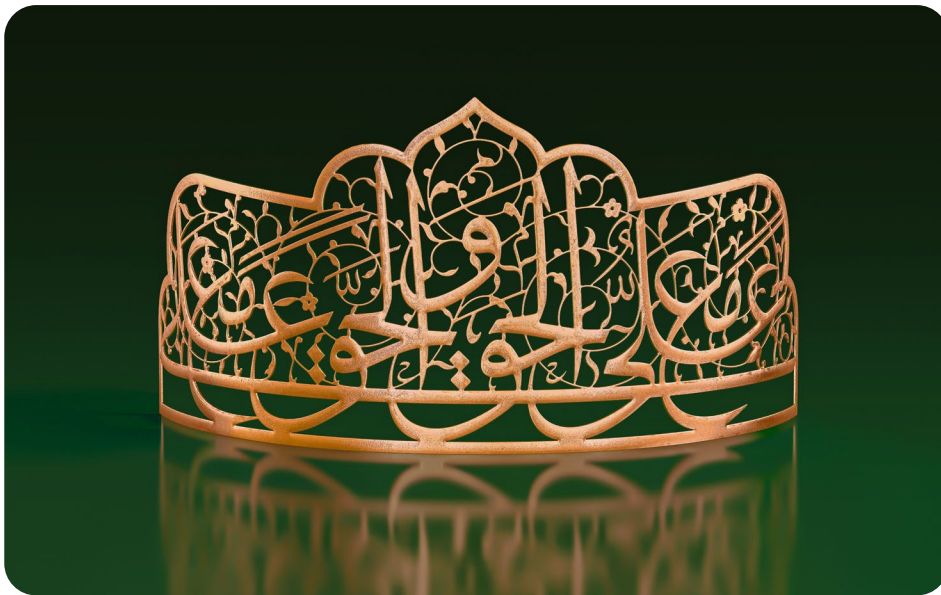
امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:
«رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا حَقّاً وَأَمَاتَ بَاطِلاً وَدَحَضَ الْجَوْرَ وَأَقَامَ الْعَدْلَ» «خداوند رحمت کند کسی را که حق را زنده و باطلی را سرکوب کند

پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود:
«مَنْ هَمَّ أَنْ يَهْدِيَ دَارَهُ إِلَى دَارِ الْغَيِّ، وَهُوَ يَهْدِيهِ إِلَيْهَا، فَهُوَ كَمَنْ يَهْدِيهِ إِلَى دَارِ الْغَيِّ، وَهُوَ يَهْدِيهِ إِلَيْهَا» «اگر کسی بخواهد راه خود را به سوی دوزخ هدایت کند، در حالی که او را به سوی دوزخ هدایت می کنند، او مانند کسی است که به سوی دوزخ هدایت می کند، در حالی که او را به سوی دوزخ هدایت می کنند.»
[ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵] می گوید این حدیث به سند نیکو روایت شده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:
«إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ»

«خوشبخت کامل و واقعی کسی است که علی را در زندگی و بعد از مرگش دوست بدارد و بدبخت کامل و واقعی کسی است که دشمن علی در زندگی و بعد از مرگش باشد.» [الأمالی، صدوق، ص ۲۴۹، ج ۸]

بر محبان علی (علیه السلام) است که خود را آراسته به صفاتی کنند که این هدایتگر عالم از آن ها خواسته و از جمله مهم ترین این صفات، عدل است که همه چه شیعه چه سنی، مسلمان یا غیره امیرالمؤمنین



سید احمد الحسن (علیه السلام):

شماره بنیان نهادن «انسان» در وجودتان دعوت می کنم.
(صفحه رسمی فیس بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳).



تنها به راهی می‌رود و همه مردم به راهی دیگر، تو مردم را واگذار و در مسیری برو که علی علیه السلام می‌رود.» [کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۸۷]

امام علی علیه السلام: «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ» «عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است.» [مطالب السؤل، ۶۱]

امام علی علیه السلام: «مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» «با هیچ چیز مانند عدالت، شهرها آباد نگردیده است.» [غرر الحکم، ۹۵۴۳]

امام علی علیه السلام: «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ» «عدالت، زیور ایمان است.» [کشف الغمّة، ۱۳۷/۳]

امام کاظم علیه السلام - درباره آیه «زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند» - فرمود: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ، وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فَيُحْيِيُونَ الْعَدْلَ فَتَحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ، وَلِإِقَامَةِ الْحَدِّ»

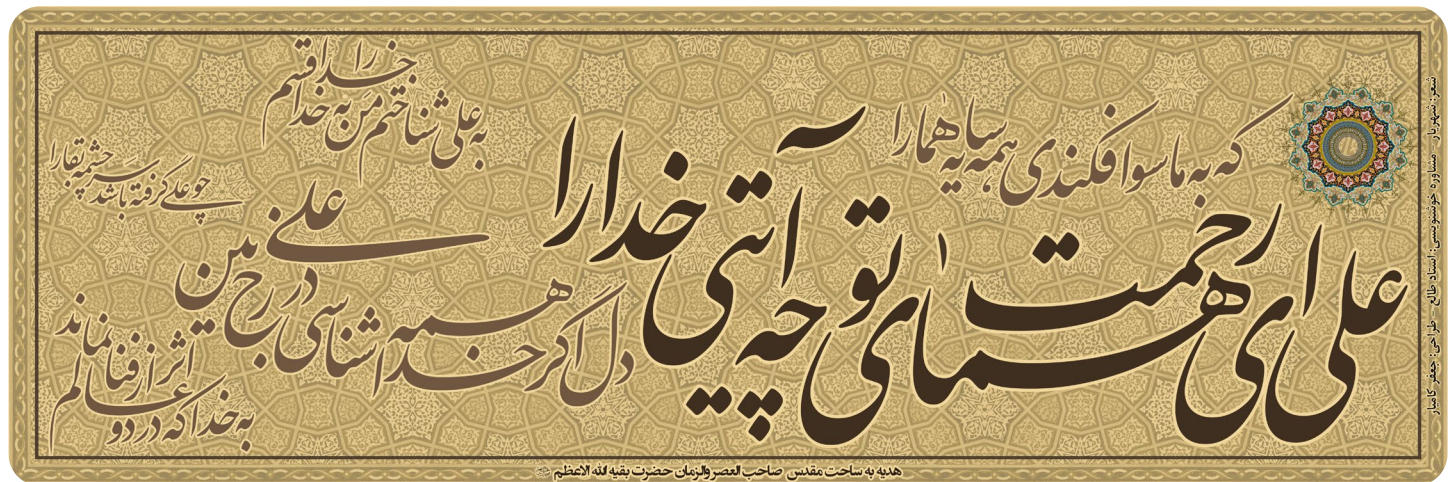
لِلَّهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» «منظور زنده کردن زمین با باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را می‌فرستد که عدالت را زنده می‌کنند و با زنده شدن عدالت، زمین نیز زنده می‌شود. هر آینه، بر پاداشتن حدود (احکام) خدا در روی زمین، از باران چهل روز سودمندتر است.» [الکافی، ۲/۱۷۴/۷]

امام علی علیه السلام: «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجِهَادِ ... وَالْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَائِصِ الْفَهْمِ، وَغَوْرِ الْعِلْمِ، وَزَهْرَةِ الْحُكْمِ، وَرِسَاخَةِ الْحِلْمِ؛ فَمَنْ فَهَمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ، وَمَنْ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ، وَمَنْ حَلَمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَعَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيدًا» «ایمان بر چهار پایه استوار است: بر صبر و یقین و عدالت و جهاد... عدالت نیز چهار شاخه دارد: فهم ژرف‌کاو، دانش عمیق، حکمت

(حکم) شکوفا و بردباری استوار و پایدار؛ هرکه بفهمد، از ژرفای دانش آگاه شود، و هرکه از ژرفای دانش آگاه شود، از آبشخورهای حکمت (احکام درست) سیراب گردد و هرکه بردبار باشد، در کار خود کوتاهی نورزد و در میان مردم با خوشنامی زندگی کند.» [نهج البلاغة، الحکمة ۳۱]

امام علی علیه السلام: «مَنْ طَابَقَ سِرُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَوَافَقَ فِعْلُهُ مَقَالَتَهُ، فَهُوَ الَّذِي أَدَّى الْأَمَانَةَ وَتَحَقَّقَتْ عَدَالَتُهُ» «هرکه نهانش با آشکارش یکسان باشد و کردارش با گفتارش سازگار، او کسی است که امانت را پرداخته و عدالتش تحقق یافته است.» [غرر الحکم، ۸۶۵۶]

امام علی علیه السلام: «غَايَةُ الْعَدْلِ أَنْ يَعْدِلَ الْمَرْءُ فِي نَفْسِهِ» «نهایت عدالت، این است که آدمی با خودش به عدالت رفتار کند.» [غرر الحکم، ۶۳۶۸]



سید احمد الحسن علیه السلام:

شما را به کشتن «من» فرامی‌خوانم؛ و به شعار «همسایه‌ام قبل از من» و «شهر همسایه قبل از شهر خودم».

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)

احمد الحسن از دیدگاه دین و علم پاسخ می دهد

کلام مقدس و قوانین دستور زبان

طبیعتاً این یک مفهوم جدید است؛ به خصوص در عرصه دانشگاه ها و حوزه های علمیه عربی؛ زیرا آن ها به نظریه تکامل اعتقاد ندارند. ما به طور کلی این مطلب را به گونه ای که شک و تردیدی در آن راه ندارد اثبات کردیم و ان شاء الله افراد بسیاری به آن اعتقاد پیدا خواهند کرد، حتی مخالفان ما. بنده مطلع شده ام که افراد بسیاری - حتی برخی از رجال دین مخالف ما - پس از انتشار کتاب «توهم بی خدایی» مخالفت خود درباره نظریه تکامل را تغییر داده اند.» (صفحه فیس بوک، پی نوشت، ۱۱ جولای ۲۰۱۶)

بنابراین زبان نیز دچار تطور و تکامل می شود و قواعد آن ثابت نیست که بخواهد معیار سنجش واقع شود؛ بلکه باید به زمان متون و قرائت ها توجه داشت. زبان مردم زمان نزول متن دینی مقدس، در ظرف وجودی خود آن ها و شرایط محیطی و تکاملی خود آن ها تعبیر شده است و نزول متن دینی هم تابع این ظرف و گنجایش آن است. (تا به وسیله مردمان آن زمان درک شود). و نمی توانیم درباره زبان در بازه زمانی خاص با متن های لغتی ای حکم کنیم که تابع گویندگان آن در فاصله های زمانی دیگر است؛ چه در گذشته یا در آینده.

هر چه به عقب تر برگردیم قضیه پیچیده تر هم می شود؛ زیرا زبان بشری تحت قانون تکامل عام رخ می دهد و به این ترتیب مشخص است زبان قرآن در ۱۴۰۰ سال قبل در مقایسه با زبان کتاب های مقدس قبلی مانند انجیل و تورات و حتی متون مقدس پیش از آن در الواح سومری، نزدیک تر به زبان فعلی ماست.

بخشی از نقدهای وارد شده بر حجت های الهی و متون مقدس الهی، بر مبنای برخی تضادها میان این متون با قوانین عالم مادی و قراردادهای افراد غیر معصوم است. چرا حجت الهی با زبان همه مردم جهان سخن نمی گوید؟ و ادامه می دهند نه تنها با همه زبان ها سخن نمی گوید، بلکه زبان عربی قراردادی را هم به خوبی صحبت نمی کند!

اما سؤالی که ذهن ما را درگیر می کند آن است که آیا درست است قوانین نحوی، قانونی قرار داده شود که طبق آن درباره قرآن و کلام انبیا و اوصیا حکم کنیم؟ آیا قوانین نحوی ثابت و بدون تغییر هستند یا آن ها نیز در طی گذر زمان دچار تغییر و تطور می شوند؟

ارائه پاسخ صحیح به این سؤالات بسیار گره گشا است و بسیاری از سوء تفاهات رفع و شبهات علمای ادیان را باطل خواهد کرد. برای روشن شدن مسئله توجه شما را به پاسخ احمد الحسن رحمته الله علیه جلب می کنیم:

«ما معتقد به «زبان قانونمند شده» نیستیم؛ به این معنا که طبق تصور و دیدگاه ما زبان (یعنی زبان انسانی) تابع قانون تکامل است. در نتیجه این اشتباه است که یک زبان نوعی مربوط به یک بازه زمانی را که تابع گویش مردم آن زمان بوده است حاکم بر کسانی قرار دهیم که در دوره های زمانی قبل یا بعد با همان زبان سخن می گفته اند، با این دیدگاه که چنین حکم راندنی صد در صد دقیق و صحیح باشد؛ ولی متأسفانه این چیزی است که در وضع قواعد زبان عربی - که در زمان نازل شدن قرآن با آن زبان سخن گفته می شد - روی داده است.

سید احمد الحسن رحمته الله علیه:

شمارا فرامی خوانم به ترک گفتن آنچه چنین افرادی به آن دعوت می کنند؛ متأسفانه آن ها شمارا به اقتدا به شیطانی دعوت می کنند که گوینده «اول خودم» و پیوست هایش مثل «اول شهر خودم» و «اول استان خودم» - است.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۳ مارس ۲۰۱۳)



پاسخ‌های فقهی امام احمد الحسن علیه السلام درباره نماز

یکی از مؤمنان مبلغ ۱۰ هزار به عنوان اجرت نماز پدر فوت شده‌اش به من داده است. حکم این امانت چیست؟



دریافت اجرت در برابر نماز خواندن یا روزه گرفتن به نیابت از مرده باطل است؛ چراکه در چنین نماز و روزه‌ای نیت نزدیک شدن به خداوند سبحان نیست؛



زیرا اگر اجرتی نباشد برای این متوفی نمازی خوانده و روزه‌ای گرفته نمی‌شود؛ بنابراین چنین نماز و روزه‌ای با نیت نزدیکی به مال انجام می‌شود نه با نیت نزدیکی به خداوند.

اگر مرده پسر بزرگی - که قضای آنچه بر ذمه والدینش است بر او واجب باشد - نداشته باشد یا پسری دارد ولی توانایی قضای آنچه بر ذمه‌شان است را نداشته باشد و داوطلبی هم یافت نشود که ذمه این متوفی را بری کند، به جای هر روز روزه یک مد طعام و به جای نماز یک شبانه روز نیز یک مد طعام صدقه بدهد و با این مال براساس تفصیلی که پیش‌تر گفته شده است عمل نماید. والحمد لله.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پرسش ۱۳۶

منبع

سید احمد الحسن علیه السلام:

در چشم آن کس که یقین دارد هیچ نیرویی جز به خداوند نیست (لا قوة إلا بالله)، فراعنه آمریکا و جیره‌خواران حقیرش - پست‌تر و حقیرتر از مگسی می‌شود. (متشابهات، ج ۳، بنگرید با امانت امام مهدی علیه السلام در نزد خویش چه می‌کنید)





آیا مقدم‌داشتن شخص فقیه‌تر در نماز جماعت به معنی فقیه‌تر به طور مطلق است یا کسی است که فقط در احکام نماز فقیه‌تر است؟



فقیه‌تر به طور مطلق.

منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پرسش ۱۴۵



آیا بین سجده بر آن طرف از تربت که چیزی رویش نوشته شده با طرفی از آن که خالی است، تفاوتی وجود دارد؟



سجده هم بر طرفی که نوشته دارد و هم بر طرف خالی جایز است.

منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پرسش ۵۱

سید احمد الحسن علیه السلام:

خویشتن را بسنجید و آن را بر حق عرضه بدارید تا وسعت یقینی را که دست یازیده‌اید، بشناسید. (متشابهات، ج ۳، بنگرید با امانت امام مهدی علیه السلام در نزد خویش چه می‌کنید).





حکم سجده بر کاشی و سرامیک که امروزه کف خانه‌ها با آن پوشانده می‌شود چیست؟



اگر قطعات آشکاری از سنگ درون آن باشد، حکمش همانند حکم زمین خواهد بود.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پرسش ۴۷

منبع



آیا آرام اذان گفتن زن فقط برای جاهایی است که در آنجا مردانی حضور دارند که می‌شنوند، یا به‌طور مطلق است؟



اگر مردی حضور داشته باشد که می‌شنود یا در مکانی عمومی باشد که احتمال وارد شدن مردان در هر زمانی به آنجا وجود داشته باشد.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پرسش ۵۵

منبع

سید احمد الحسن علیه السلام:

راضی به حکمیت خدا هستیم و... و... وعده‌گاه ماقیامت، و جهنم منتظر آن‌هاست که به آن می‌رسند؛ و چه بد جایگاهی برای وارد شوندگانش است!
(متشابهات، ج ۳، بنگرید با امانت امام مهدی علیه السلام در نزد خویش چه می‌کنید)





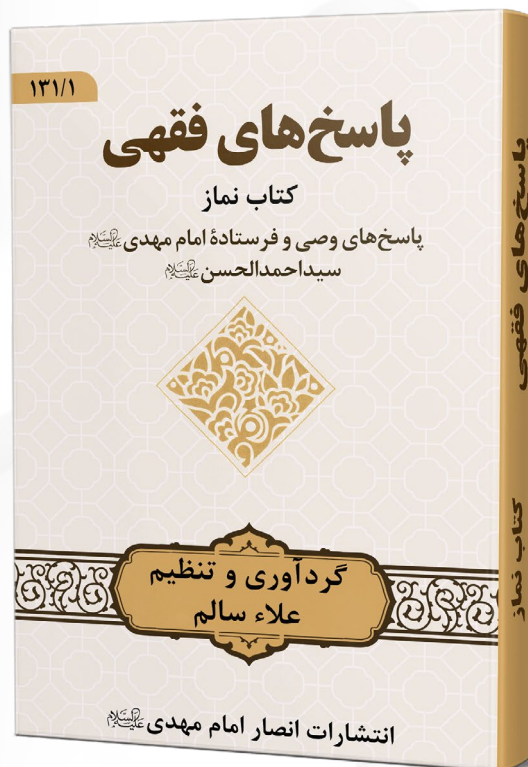
گاهی اوقات پیش می‌آید که نمازگزار برای جبران قسمتی از نماز در حین نماز، نمازش را قطع و آن را تکرار می‌کند، در حالی که حکم آن را نمی‌داند. آیا اجازه انجام چنین عملی را دارد؟



جایز نیست نمازش را به دلیل شک قطع کند.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منع



سید احمد الحسن علیه السلام:

مردم می‌گویند ما با انتخابات، حاکم را تعیین می‌کنیم و گویی آن‌ها این سخن خدا را شنیده‌اند که می‌فرماید: (بگو: بارخدا یا! تویی دارندهٔ مُلک و پادشاهی. به هر که بخواهی مُلک می‌دهی).

(متشابهات، ج ۳، ص ۷۹)

تکرار تاریخ با یمانی اول و یمانی دوم

تو فریاد زدند * و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند؛ بلکه آن ها مردمی ستیزه جویند. * او (عیسی) جز بنده ای نبود که ما نعمتش ارزانی داشتیم و مایه عبرت بنی اسرائیلش گردانیدیم. * و ما اگر بخواهیم برخی از شما را در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین باشند. * و همانا آن (تعیین الهی) علمی برای شناخت ساعت قیامت است پس در آن شك مکنید، و از من متابعت کنید. این است راه راست.»

و در روایت دیگر است که این آیه نیز نازل شد: «او جز بنده ای نبود که ما نعمتش ارزانی داشتیم.»

پیامبر ﷺ فرمود: «ای حارث! از خدا بترس و سخت را پس بگیر، زیرا آنچه گفتمی از دشمنی تو با علی بن ابی طالب علیه السلام نشئت می گیرد.»

حارث گفت: «اگر تو رسول خدا هستی و علی وصی بعد از توست و فاطمه دخترت سرور زنان جهان است و دو پسر حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند و حمزه عمویت سیدالشهداست و پسر عمویت جعفر طیار با دو بال در بهشت با فرشتگان پرواز می کند

نداده است؛ بلکه این اوصاف و القاب به واسطه معصومین و صادر شده از سوی خداست و احمد الحسن علیه السلام حقانیت خود را از طریق ثقلین اثبات کرده است و روایات همچون پازل متصل به یکدیگرند و به شخصیت او اشاره دارند؛ اما این همه دلیل مانع از بلند شدن اعتراضات دشمنان خدا نشد؛ به راستی اعتراض آنان برای ما یادآور اعتراض حارث بن عمرو فهری است:

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: «ای علی! اگر بیم آن نداشتیم که مردم همان چیزهایی را که درباره عیسی مسیح علیه السلام گفتند درباره تو بگویند، امروز سخنی درباره ات می گفتم که از هر جا بگذری مسلمانان خاک پای تو را به عنوان تبرک بردارند.»

حارث بن عمرو فهری به جمعی از دوستانش گفت: «محمد مشابهی برای پسر عموی خود جز عیسی بن مریم علیه السلام نیافت و کم مانده او را پس از خود پیامبر کند، به خدا سوگند خدایان ما که می پرستیدیم بهتر از اوست.»

پس خدا این آیات را نازل کرد: «و چون داستان پسر مریم آورده شد، قوم

اگر برای عبارت «تاریخ» می توانستیم معادل دیگری بگوییم به آن «تکرار» می گفتم به این دلیل که انگار همه چیز مدام تکرار می شود، حتی رنج و مصائب بهترین خلق نزد خدا؛ یعنی محمد ﷺ و آل محمد ﷺ.

دشمنی مردم با یمانی اول

کلبی گفت: «اهل مکه نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: خدا پیامبر دیگری غیر از تو نیافته است که بفرستد؟! ما کسی را نمی بینیم که گفته های تو را باور کند.» [بحار الأنوار، ط مؤسسه الوفاء، ج ۱۸، ص ۲۳۵]

دشمنی مردم با این قوم عجیب و شگفت آور است؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «نَحْنُ وَ اللَّهِ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ» «به خدا ما هستیم آن مردم که مورد حسد واقع شده اند.» [کافی، ج ۱، ص ۲۰۶]

شباهت اشکال تراشی ها از محمد ﷺ و آل محمد ﷺ به یکدیگر

اما امروز، بر یمانی آخرالزمان اشکال می گیرند که تمام القاب را برای خود می داند؛ این در حالی است که او این القاب را به خود

سید احمد الحسن علیه السلام:

کَلِمَةُ (لا اله الا الله) کلمه توحید است، و هر کس غیر خدا را در مُلک خدا شریک سازد، مشرک و غیر موحد است؛ حتی اگر بگوید لا اله الا الله.

(متشابهات، ج ۳، ص ۷۹)



نتیجه‌گیری

اشکال معاندان از احمدالحسن علیه السلام به موجب القابی که خدا به او داده است، اتفاق جدیدی نیست و متأسفانه عمل همیشگی ظالمان بوده است؛ داستان‌ها و اتفاقات همچنان در این زمین تکرار می‌شود! انبیا و اوصیا با دلایل محکم و شهادت خدا می‌آیند و دشمنان آن‌ها با شبهات پوچ و سست و اشکال‌تراشی‌ها و عبارات گستاخانه! بخوانیم و دقت کنیم و تدبیر کنیم تا مبادا دشمنی از دشمنان خدا گردیم! وَالسَّلَامُ عَلَی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى.

سوگند، به‌سوی آن‌ها نیامدیم مگر پس از اینکه هر صبح و شام ما را با تضرع و زاری به‌سوی خود فراخواندند. در حالی که از ظلم و جور ظالمان و فراعنه، به تگ آمده بودند؛ اما آن هنگام که در میانشان آمدیم ما به ستیز پرداختند و شمشیری آخته به‌سوی ما کشیدند و به‌جای دوستدارانشان، یآوری برای دشمنانشان شدند؛ پس وای بر کسی که در روز قیامت دوستانش دشمنانش باشند، و دشمنانشان، جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. [متشابهات، ج ۳، بنگرید که با امانت امام مهدی علیه السلام در نزد خویش، چگونه رفتار می‌کنید]

و منصب سقایت را هم به عمومیت عباس داده‌ای، دیگر چه چیزی برای قریش که فرزندان پدرت هستند، باقی گذاشته‌ای؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر تو حارث، من این کارها را در حق فرزندان عبدالمطلب نکرده‌ام؛ بلکه خداوند چنین کرده است.» [بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۲۰؛ المناقب، ج ۲، ص ۳۴۲]

اشکال‌گیری حارث را با اشکال‌گیری دشمنان احمدالحسن علیه السلام مقایسه کنید، خواهید یافت که فرق چندانی ندارند!

احمدالحسن علیه السلام فرمود: «به خدا



سید احمدالحسن علیه السلام:

هر مسلمانی باید از داستان سامری و گوساله مطلع باشد و از آن پند گیرد.

(متشابهات، ج ۳، ص ۸۲)



السلام علیک یا حبیب

میلاد مولود کعبه

تو درگاه رحمان و رحمت از تو معنا شد

شب جشن و سرور آمد، شب میلاد مولا شد
یکی بود و نبود آن یک و نور حق هویدا شد
که قطره بودی و اکنون همان یک قطره دریا شد
که در پاداش اعمال نصیبت عشق زهرا شد
بین مولا که احمد هم به امید تو پیدا شد
که حتی کعبه هم از بهر میلاد تو برپا شد
برای مؤمنین تو جواز عشق امضا شد
تو صدیق توفاروقی، حرام از غیرات این هاشد
نه خیری در جهان دارد نه محصولش در عقبا شد
که تو درگاه رحمان و رحمت از تو معنا شد

تمام آسمان امشب پر از نوری فریبا شد
کتاب قصه بگشودم و نام مرتضی آمد
علی ای چشمه رحمت چه رازی با خدا داری
چه کردی پیش معبودت که او هم مبتلایت شد
و گستا بن علی حتی محمد بن اثر باشد
میان کعبه چشمانت گشودی تا بدانم من
ولای تو شده محور برای سنجش ایمان
تو هستی اولین مؤمن تو یی مأمون تو یی مهدی
هر آن کس که ولای تو نباشد در دلش جاننا
بیا و روی لطف خود به سوی «کامیارت» کن

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و
دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر
شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی
از علم و شگفتی ها آمده است.